

درآمد نظری بر سرمایه‌داری جهانی به مثابه شکل زندگی

امیر رزاقی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

علی رحمانی فیروزجاه^۱

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

علی اصغر عباسی اسفنجیر

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۲

چکیده

شکل زندگی انسان‌ها حاصل فرم‌ها، الگوها، قاعده‌ها و غیره می‌باشد. انسان در هسته ایده "شکل زندگی" است. موضوع پژوهشی این مقاله پیرامون این مساله است که چرا سرمایه‌داری جهانی شکل زندگی است؟ و چگونه سرمایه‌داری جهانی شکل زندگی خود را بر انسان‌ها و جوامع مسلط می‌نماید؟. برای نیل به هدف تبیین این دو پرسش، از روش مروری تنوریک استفاده شده است. برای گردآوری داده‌ها به پایگاه‌های داده‌ای گوگل، یاهو و همچنین پایگاه داده‌های علمی (نورمگز، پرتابل‌های جامع علوم انسانی، Academia، Britannica، paperhub، ..) مراجعه و با بکارگیری کلید واژه‌گان مرتبط به جستجوی منابع پرداخته شد. منابع یافت شده در سه گروه کتاب، مقاله و پایان‌نامه تقسیم شد. از بین 109 منبع اولیه یافت شده 64 منبع به دلیل عدم ارتباط کامل با موضوع مورد مطالعه، نداشتن متن کامل، همپوشانی داشتن با دیگر منابع، حذف و 45 منبع انتخاب شد. در گام بعدی منابع گزینش شده با دقت بررسی و مطالعه، داده‌ها استخراج و فیش برداری، تقلیل و خلاصه‌سازی، مفهوم‌سازی و دسته‌بندی، در نهایت جمع‌بندی و نگارش انجام شد. یافته‌ها بیان‌گر آن است که: سرمایه‌داری جهانی در سطح کلان خود به عنوان شکل زندگی، دارای فرم‌ها و الگوهای تقلیل‌ناپذیر است. فرم‌ها و الگوهای غیر سرمایه‌داری توسط سرمایه‌داری بازنویسی و شکل فرم‌ها و الگوهای سرمایه‌داری را به خود می‌گیرند. سرمایه‌داری جهانی در قالب نظام‌های ساختارمند اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی - ایدئولوژیکی، سیاسی و حقوقی توانسته بر همه امور ذهنی و عینی افراد و جوامع تاثیر بگذارد و شکل زندگی سرمایه‌داری را بر زندگی افراد و جوامع مسلط نماید. این شکل زندگی سبب تداوم تولید، توزیع، مصرف جهانی و کسب سود و سود دوباره است.

کلید واژه‌ها: سرمایه‌داری جهانی، شکل زندگی، نظام‌های سرمایه‌داری، روش مروری

¹ نویسنده مسئول arf1348@gmail.com

theoretical approach to global capitalism as form of life

Amir Razzaghi

PhD candidate of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University. Babol, Iran

Ali Rahmani Firozjah¹

Associate Professor of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University,
Babol, Iran

Ali Asghar Abbasi Asfajir

Associate Professor of sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran

Abstract

The form of human's life is the result of forms, patterns, rules, etc. human is at the core of the idea of "life form". The research topic of this article is about why global capitalism is a form of life? And how does global capitalism dominate its form of life on people and societies? To achieve the goal of explain these two questions, the theoretical review method has been used. In order to collect data, Google, Yahoo and scientific databases (Normex, comprehensive humanities portables, Academia, Britannica, paperhub and etc.) were used. And the sources were searched by using relevant keywords. The sources found were divided into three groups: books, articles and theses. Among the ۱۰۹ primary sources found, ۶۴ sources were removed due to lack of complete connection with the subject under study, lack of complete text, overlap with other sources, and ۴۵ sources were selected. In the next step, the selected sources were carefully examined, studied, data was extracted, taking note, reduced, summarized, conceptualized and categorized, and finally summarized and written. These findings indicate that global capitalism as a form of life at macro level has irreducible forms and patterns. Non-capitalist forms and patterns are rewritten by capitalism and take the shape of capitalist forms and patterns. Global capitalism, in the form of structured economic, social, cultural-ideological, political, and legal systems, has had a significant impact on both the subjective and objective affairs of individuals and societies. and dominate form of life of capitalism in the lives of

¹. Corresponding Author: arf۱۳۴۸@gmail.com

individuals and societies. This form of life is the reason for the continuation of production, distribution, global consumption and earning profit and profit again.

Keywords: global capitalism, form of life, capitalist systems, Review method

مقدمه

آنگونه که ما زندگی انسان‌ها را مشاهده می‌نمایم، تنها یک جریان تصادفی و پیوسته نیست، بلکه جلوه‌هایی از الگوهای تکرار شونده، قاعده‌ها، شیوه‌های مشخصی از فعالیت‌ها، احساس، گفتار و تعامل را نشان می‌دهد. این الگوها، قاعده‌ها و پیکربندی‌ها، شکلی از زندگی را بوجود می‌آورند. شناسایی انسان به عنوان موجودی زنده، یعنی موجودی فانی و جنسی، در هسته ایده "شکل زندگی"^۱ نهفته است. ایده «شکل زندگی» امکان هر گونه جدا بودن، بخشی از عملکردهای انسانی را رد و تمایزات واضح بین فعالیت‌های خصوصی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را تضعیف می‌کند.

شکل زندگی مجموعه‌ای از فرم‌ها، الگوها و اعمال اجتماعی است که این فرم‌ها خود مجموعه‌ای از عملکردهای منفرد و مجموعه‌ای از شیوه‌ها و اقداماتی می‌باشند. مفهوم شکل زندگی به مجموعه‌ای اشاره دارد که به طور مداوم به شیوه خود ایجاد، بازتولید و اصلاح می‌شوند و شکل‌پذیر است. مفهوم شکل زندگی به بیان انباشتی از ایده‌ها، معانی یا محتوای اخلاقی می‌پردازد و آن را می‌توان آن چیزی دانست که خود را تثبیت یا تحمیل می‌کند و از آن طریق فرمان می‌دهد. اشکال زندگی روابط انسان‌ها با یکدیگر، دنیای مادی انسان‌ها و در نتیجه خود انسان را در برمی‌گیرد. مفهوم شکل زندگی اجازه می‌دهد تا بر سطح کلان که همان سطح شکل زندگی است، سطح میانی (سطح فرم‌ها و الگوهای فعالیت) و سطح خرد (سطح فعالیت‌های فردی - کنش و اعمال فردی) تمرکز نماییم.

سرمایه‌داری^۲ یکی از دلایل اصلی، بن مایه و تعیین کننده ویژگی‌های عصر مدرن، تغییر و تحولات پی در پی در وسایل تولید، زیست جوامع انسانی و محیط دانست. امروز سرمایه‌داری جهانی^۳ زندگی افراد و جوامع را تحت تاثیر قرار داده و از طریق ورود معرف‌های عینی (مادی) و

¹ Form Of Life

² Capitalism

³Global Capitalism

ذهنی (غیر مادی) خود، ساختارهای اجتماعی و فرم‌ها، الگوهای زیستی و عملکردهای فردی مردمان را متحول ساخته است. سرمایه‌داری جهانی روابط، احساس، ظرفیت‌ها و کنش‌ها را شکل می‌دهد. در این شکل دهی انسان‌ها خود تبدیل به ابژه می‌شوند. این اثر گذاری در تمامی زیست بشری حتی بر خود انسان‌ها تا بدانجا مهم و بعنوان یک مساله مطرح بوده است که بسیاری از جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و نظریه‌پردازان دیگر علوم در جهان به آن پرداخته و از زوایای گوناگونی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند.

ارجاعات به « سرمایه‌داری به عنوان شکل زندگی » را در نوشته‌های اشخاصی چون کارل مارکس^۱، آلیسون کول^۲، روسی^۳، راحیل جاگی^۴، باستین رونگ^۵، دانیل لورنزی^۶ و دیگر صاحب نظران قابل مشاهده است. آنان با رویکردها و روش‌های متفاوت به بررسی مکانیسم‌های سرمایه‌داری جهانی و تاثیرات آن بر انسان‌ها و روابط بین آنها و زندگی جمعی می‌پردازند و مورد بازنگری قرار می‌دهند و با تأملاتی در مورد دامنه، خطوط و محتوای سرمایه‌داری، این پدیده را به‌عنوان شکلی از زندگی ارائه می‌نمایند.

طرح بحث " سرمایه‌داری جهانی به مثابه شکل زندگی " این موضوع را مطرح می‌نماید که می‌توان: از این گزاره بصورت تحلیلی استفاده نمود و راه‌های تازه‌ای را برای درک بهتر چیستی، کارکرد و چالش‌های این پدیده گشود و همچنین چشم‌اندازی را فراهم نمود تا با تأکید بر مفهوم شکل زندگی سرمایه‌داری راه‌های جدیدی را برای درک زندگی انسان‌ها باز نماییم. چنین رویکردی تحلیل تازه‌ای را جایگزین تحلیل‌هایی می‌نماید که همواره تاثیر و تحمیل سرمایه‌داری به عنوان یک منطبق اقتصادی را بر امور اجتماعی و فرهنگی نادیده می‌انگارند و درهم‌تنیدگی اقتصاد با سایر حوزه‌ها را بیان نمی‌دارند. اگرچه سایر حوزه‌ها نیز به طور کامل در حوزه اقتصاد گنجانده نشده‌اند.

^۴ Karl Heinrich Marx

^۵ Alyson Cole

^۶ Rossi

^۷ Rahel Jaeggi

^۸ Bastian Ronge

^۹ Daniele Lorenzini

این مقاله که حاصل پژوهشی با هدف "بررسی و مطالعه جامعه‌شناختی سرمایه‌داری جهانی" است، در پی آن است که به بررسی سرمایه‌داری جهانی به مثابه شکل زندگی پرداخته و به این سوالات پاسخ دهد که: چرا سرمایه‌داری جهانی شکل زندگی دانسته می‌شود؟ چگونه این شکل زندگی، خود را بر سوژه‌ها (انسان‌ها و جوامع) مسلط نموده است؟

ادبیات نظری

ویتگنشتاین^۱ را می‌توان به عنوان یکی از اولین نظریه‌پردازان مفهوم شکل زندگی نام برد. به باور ویتگنشتاین زندگی انسان، آنگونه که ما آن را می‌گذرانیم و مشاهده می‌نمایم اتفاقی نیست. از آنجا که زندگی شامل الگوها، قاعده‌ها، پیکربندی‌ها هست، ویتگنشتاین آنها را شکل و چون‌الگوهایی در تار و پود وجود و فعالیت انسان در زمین هستند، آنها را اشکال زندگی نامید (کول و فراریز^۲، 2018).

این ایده که سرمایه‌داری چیزی فراتر از یک نظام اقتصادی است، برای اولین بار توسط مارکس چارچوب‌بندی شد، سرمایه‌داری بسی فراتر از یک نظام اقتصادی است (مارکس به نقل از ریتزر^۳، 87:1395). مارکس معتقد بود سرمایه‌داری علاوه بر تکیه بر ساختارهای مادی دارای جنبه‌های فرهنگی نیز می‌باشد. او سرمایه‌داری را دارای ایدئولوژی می‌داند. به باور او ایدئولوژی است که سرمایه‌داری جهانی را پایدار نگه داشته و در سرتاسر جهان گسترش داده است. مارکس پیشنهاد می‌کند شکل زندگی را شکلی بدانیم که زندگی تحت شیوه‌های تولید شکل معینی به خود می‌گیرد. از این منظر، شکل زندگی سرمایه‌داری جهانی برای روبرو شدن و برآوردن نیازها، ایجاد و بازتولید می‌شود. این شکل از زندگی به اشیاء و کالاها جان می‌بخشد و اشیاء و کالاها را وارد رابطه انسانی می‌نماید تا جایی که در ذهن و بین‌الذهانی انسان‌ها، مادی بودن کالا مخدوش می‌گردد (مارکس به نقل از کول و فراریز، 2018 ص 29).

¹ Ludwig Josef Johann Wittgenstein

² Colea & Ferrarese

³ George Ritzer

ماکس وبر^۱ در کتاب اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری بطور غیر مستقیم به تبیین و تحلیل خلق شکلی از زندگی می‌پردازد که همان شکل زندگی سرمایه‌داری است. او بیش از آنکه این شکل از زندگی را حاصل نظام اقتصادی بداند معلول نظام معنوی و اخلاقی می‌داند. یک نظام هنجاری که شامل عقایدی مرتبط به هم می‌باشد. وبر سرمایه‌داری را برخوردار از موجودیتی واقعی می‌داند که ترکیبی از هنجارها، ارزش‌ها، بازار، پول و قانون است.

آلیسون کول (2020) در کتاب خود به نام "*The subject of objects*" به مادی بودن شکل زندگی انسان‌ها و پیامدهای ایدئولوژیک آن می‌پردازد. او می‌نویسد اشیاء از یک مسیر مشابه پیروی می‌کنند، کالاها علاوه بر موجودیت کامل و مستقل پیدا کردن، در فرآیندی جان می‌یابند. کول، اول تضعیف یا ریشه‌کن کردن تمایز سوژه / ابژه و دوم، توزیع مفهوم عاملیت در سراسر جهان مادی را از ویژگی‌های سرمایه‌داری (سرمایه‌داری جهانی) می‌داند که انسان‌ها را از محیط‌هایشان متمایز می‌نمایند. او با وام گرفتن از مارکس بر این باور است که شکل کنونی زندگی، قراردادهای اجتماعی تولید و بازتولید شده توسط سرمایه‌داری است که ما را وادار می‌کند آنچه را که نباید، بدیهی فرض کنیم. سرمایه‌داری شکل‌های غیرانسانی و غیربیولوژیکی زندگی را به وجود می‌آورد، تا جایی که از طریق فرآیند کالایی شدن، عاملیت، انسجام و استقلال را به اشیاء می‌بخشد.

دیدگاه‌های اشخاصی نظیر «آنتونیو گرامشی»^۲، ناظر به این مطلب است که سرمایه‌داری تماماً یک نظام اقتصادی نیست؛ بلکه یک نظام زندگی است. سرمایه‌داری، ارائه‌دهنده یک ایدئولوژی برای زندگی انسان‌ها است (آجیلی، هادی، 1394). روسی (2017) بر این باور است که در ذات سرمایه‌داری سیاست، اجتماع، فرهنگ و ایدئولوژی و حتی اکولوژی نیز وجود دارد. به‌ویژه آنچه که آن را «ساخت سرمایه‌داری معاصر مبتنی بر زندگی» می‌نامد. راحیل جایگی (2018) در نوشته کوتاه خود، با عنوان "*Economy as social practice*" می‌نویسد: شکل زندگی سرمایه‌داری از نهادینه شده‌های (رسوبات) اخلاق ناشی می‌شود، حتی زمانی که خود را از نظر اخلاقی خنثی نشان می‌دهد. جایگی معتقد است که برای ریشه‌ای اندیشیدن ما در مورد اقتصاد و نهادهای آن، باید بطور عمومی فعالیت‌های اقتصادی را به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی ببینیم که ویژگی‌های

⁴Max Weber

¹Antonio Gramsci

این فعالیت‌ها را به اشتراک می‌گذارند. این فعالیت‌های اقتصادی به طرق مختلف با سایر اعمال مرتبط هستند و (همراه با آنها) بخشی از بافت اجتماعی- فرهنگی جامعه را تشکیل می‌دهند. او بر این باور است که از فعالیت‌های اقتصادی به‌عنوان کنش‌های اجتماعی چنین برمی‌آید که با سایر اعمال اجتماعی مرتبط هستند و با آنها به شکلی از زندگی در می‌آیند.

به عقیده تئودور آدورنو² (2005) شکل زندگی ما یعنی شکل زندگی سرمایه‌داری، او نظرها را جلب می‌کند به یک تشخیص بنیادی در مورد زندگی اخلاقی، که آن سبکی از هر زندگی را خلق می‌کند. این سبک از طریق تعمیم فرم مبادله که به فرم جهانی تبدیل شده، رخ می‌دهد و همه مظاهر زندگی را چه وجه ذهنی و چه وجه عینی را تعیین می‌کند. او در روشن نمودن علل اجتماعی این موضوع از مجموعه‌ای از بازنمایی‌های نادرستی سخن می‌گوید که انسان‌ها را مجبور به اتخاذ نگرش‌هایی می‌کند که در خدمت بازتولید نظام سرمایه‌داری می‌باشند.

باستین رونگ در نوشته ای با عنوان "*The Capitalist Form of Life, and How To Deconstruct It*" که در سال 2020 به نگارش در آورد از اعمال اجتماعی تعریف می‌نماید که الگوها، که شکلی از زندگی را تشکیل می‌دهند، خود مجموعه‌ای از شیوه‌های منفرد هستند. با طرح این موضوع یک بحث اجتماعی- هستی‌شناختی درباره مفهوم شکل اقتصادی زندگی آغاز می‌شود. مفهوم شکل زندگی اجازه می‌دهد تا بر سطح کلان (سطح شکل زندگی)، سطح میانی (سطح فرم‌ها و الگوهای فعالیت) و سطح خرد (سطح فعالیت‌های فردی) تمرکز کنیم. شکل‌های زندگی توسط عناصر ناهمگن تقلیل‌ناپذیر تشکیل شده‌اند. شکل زندگی سرمایه‌داری نیز فقط به یک چیز (هدف) اختصاص دارد، یعنی کسب سود. شکل زندگی از دیدگاه هستی‌شناختی اجتماعی هنوز ناهمگن است. سرمایه‌داری نمی‌تواند از شر همه اعمال غیر سرمایه‌داری خلاص شود، بلکه باید آنها را در الگوهای عمل سرمایه‌داری بازنویسی نماید.

²Theodor Ludwig Wiesengrund Adorno

آگامبن^۱ می‌گوید سرمایه‌داری جدایی ساختارها را در هر حوزه‌ای عمومیت می‌دهد. فرآیند بی‌وقفه‌ای که به هر چیز، هر مکان، هر فعالیت انسانی حمله می‌کند تا آن را از خود آن چیز، مکان و فعالیت جدا کند. حتی بدن انسان، حتی تمایلات جنسی، جنسیت، زبان. چنین جداشدنی، زندگی ما را از طریق وارونگی و جابجایی و جایگزینی سازماندهی مجدد می‌نماید (آگامبن به نقل از کول و فراریز، 2018 ص 85).

هاگ تیموتی^۲ (2018) در نوشته خود با عنوان "*The capitalist metabolism*" اشاره به نظریه بکهاوس^۳ و نام ارزش- فرم می‌نماید و می‌نویسد: ارزش شکل خاص سرمایه‌داری است که روابط مبادله و تولید را در کلیت اجتماعی ادغام می‌کند. سرمایه‌داری با پیروی از منطق خود، با تعریف آن به عنوان یک کالای مجازی و محصول کار انتزاعی، تمایل دارد خود زندگی - انسانی و غیر انسانی - را تحت این شکل قرار دهد. تیموتی سرمایه‌داری را به عنوان یک سازمان اجتماعی، به عنوان "شکل زندگی" معنا می‌کند. او در شرح خود از سرمایه‌داری به عنوان شکل زندگی از اصطلاح «متابولیسم»^۴ استفاده می‌نماید. او اصطلاح متابولیسم را در معنای علمی خود، ارتباط یک ارگانیزم با محیط به عنوان یک تبادل دائمی اجزای مادی که هدف آن حفظ هویت رسمی است، تعریف می‌کند. این در واقع دقیقاً ویژگی اصلی زندگی است که یک شکل داشته باشد، یک شکل باشد، در حالی که زیر لایه مادی آن پیوسته تغییر می‌کند.

دانیل لورنزینی^۵ (2018) در کتاب "*Governmentality, subjectivity, and the neoliberal form of life*" دیدگاه فوکویی را اقتباس می‌کند در مورد اینکه چگونه سرمایه‌داری شکل زندگی خود را بر سوژه‌ها تحمیل می‌نماید. او بر این نکته اشاره می‌کند که فوکو^۶، نئولیبرالیسم^۷ (سرمایه‌داری معاصر) را قبل از هر چیز یک عقلانیت یا هنر خاص می‌داند. از این منظر، این تعریف به طور

¹ Giorgio Agamben

² Haug Timothée

³ Backhaus

⁴ Metabolism

⁵ Daniele Lorenzini

⁶ Paul Michel Foucault

⁷ Neoliberalism

همزمان در برابر «لیبرالیسم کلاسیک»^۸، هم یک امتداد و هم گسست ایجاد می‌کند. در واقع، به گفته فوکو، اگر مشکل آدام اسمیت^۹ این بود که «چگونه می‌توان فضای بازار آزاد را در یک جامعه سیاسی از قبل قطع کرد یا ایجاد کرد» نئولیبرالیسم موضوع متفاوتی را مطرح می‌کند، شامل این پرسش است که چگونه می‌توان اعمال کلی قدرت سیاسی را بر اساس اصول اقتصاد بازار طراحی کرد. بنابراین، نئولیبرالیسم نه تنها «لسه‌فر»^{۱۰} است، بلکه، و مهم‌تر از آن، شیوه‌ای خاص برای سازمان‌دهی روابط اجتماعی بر اساس عقلانیتی است که بازار دیکته می‌کند. هدف، شکل دادن به رفتار فردی و جمعی است. بنابراین «موضوعات» را به شیوه‌ای کاملاً جدید تشکیل می‌دهند. به همین دلیل است که پرسش از شکلی است که نئولیبرالیسم به ذهنیت‌های ما می‌دهد و زندگی‌ها، شدیداً اهمیت سیاسی و اخلاقی پیدا می‌کنند.

الن میکسینز وود^۴ (۱۳۸۳)، در کتاب "ملاحظاتی پیرامون جهانی شدن سرمایه‌داری" مدعی است که در مقطع کنونی، سرمایه‌داری به یک سیستم جهانی تبدیل شده است. وی جهانی شدن سرمایه‌داری را به معنای نفوذ منطق سرمایه‌داری (انباشت کالا، کالایی شدن، به حداکثر رساندن سود و رقابت) در تمامی عرصه‌های حیات بشری و طبیعت می‌داند.

روش شناسی

پژوهش پیش‌رو بر اساس رویکرد کیفی و با استفاده از روش مروری انجام گرفته است. این پژوهش:

از منظر گونه‌شناسی: مروری تئوریک؛

بر حسب دامنه مطالعه: موضوع (با مسئله) مشخص؛

بر حسب موضوع مطالعه: سازه‌های تئوریک؛

^۸ Classical liberalism

^۹ Adam Smith

^{۱۰} Laissez - faire

^۱Ellen Meiksins Wood

92..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هفدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

از نظر منطق سازماندهی محتوا: غیر تاریخی می‌باشد.

این پژوهش به گونه‌ای ساختارمند بر پرسش‌ها تکیه دارد و با بررسی و ارزیابی منابع، استخراج، تولید داده و تولید یافته‌ها سعی می‌نماید به پرسش‌ها مطرح شده پاسخ دهد.

جدول 1. پژوهش مروری معطوف به موضوع مطالعه

موضوع مطالعه	ویژگی‌های مهم
سازه‌های تئوریک شامل (طبقه‌بندی مفهومی، گونه‌شناسی، نظریه، دلالت‌های مبتنی بر نظریه و...)	<ul style="list-style-type: none"> - مرور ادبیات نظری - تمرکز بر کشف ارتباط میان سازه‌های نظری موجود و یا مقایسه، ارزیابی، اصلاح و توسعه آنها - ارائه سازه‌های نظری جدید برای پیشبرد دانش و پاسخ به مسائل جدید

جدول 2. پژوهش مروری معطوف به دامنه مطالعه

دامنه مطالعه	ویژگی‌های مهم
یک موضوع (با مسئله) مشخص	<ul style="list-style-type: none"> - بازسازی و توسعه ادبیات در بخش خاصی از پیکره دانش - تاکید بر ارائه ادبیات مرتبط با بررسی موضوع مشخص - انعکاس مسائل و.. مرتبط با موضوع - تاکید بیشتر بر عمق بررسی و شمول آثار کاملاً مرتبط با موضوع - کاربرد در توسعه دانش و... مرتبط با موضوع

جدول 3. پژوهش مروری بر حسب منطق سازماندهی محتوا

منطق سازماندهی	ویژگی‌های مهم
غیر تاریخی	سازماندهی محتوای پژوهش بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها در ادبیات نظری مرتبط با موضوع انجام می‌شود. برای این منظور، ادبیات بر مبنای نظریه‌ها، مدل‌ها و... بکار گرفته شده در آن دسته بندی و مقایسه می‌شوند.

در راستای انجام پژوهش در ابتدا برای یافتن منابع به پایگاه‌های داده‌ای گوگل، یاهو و همچنین پایگاه داده‌های علمی (نورمگز، پرتابل جامع علوم انسانی، مراکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و CBC، Britannica، Academia، Sagepub، Paperhub) مراجعه و با بکارگیری استراتژی پیشرفته و عملگرهای بولین (operators Boolean) از طریق کلید واژه‌گان مرتبط شامل: سرمایه‌داری، سرمایه‌داری جهانی و (جهانی شدن، شکل زندگی، سبک زندگی، منطق سرمایه‌داری، تولید، توزیع، بازار، مصرف، سیاست، اجتماع) عمل جستجو انجام شد. برای انتخاب منابع مورد استفاده ابتدا منابع یافت شده توسط موتور جستجو که 109 مورد به زبان فارسی و انگلیسی بود از نظر ارتباط موضوعی بررسی و در سه گروه کتاب، مقاله و پایان‌نامه تقسیم شدند.

پس از تقسیم‌بندی، کتاب‌ها بر اساس معیارهای: الف) دارای ارتباط موضوعی ب) در دسترس بودن متن کامل

مقالات بر اساس معیارهای: الف) دارای ارتباط موضوعی ب) دارای چکیده ح) دارای متن کامل د) دارای مباحث نظری مرتبط. پایان‌نامه‌ها بر اساس معیارهای: الف) ارتباط موضوعی ب) در دسترس بودن ب) دارای متن کامل ح) دارای مباحث نظری مرتبط مورد بررسی قرار گرفتند.

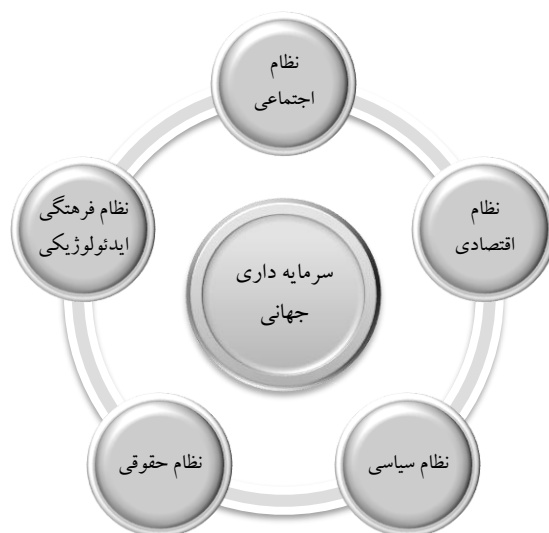
از بین 109 منبع اولیه یافت شده به تعداد 64 منبع به جهت دلایلی چون (عدم ارتباط کامل با موضوع مورد مطالعه، نداشتن متن کامل، همپوشانی داشتن با دیگر منابع) حذف و 45 منبع گزینش شد. سپس منابع منتخب بطور کامل و با دقت بررسی، مطالعه و استخراج و فیش برداری، تقلیل و خلاصه‌سازی، مفهوم‌سازی و دسته‌بندی، در نهایت جمع‌بندی و نگارش انجام شد.

یافته‌های پژوهشی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد آنچه که سرمایه‌داری جهانی را به عنوان شکل زندگی نمایان ساخته، حاصل وجود نظام‌های سرمایه‌داری جهانی و کارکرد آنهاست، این نظام‌های، هر یک بر مبنای رمزگان خود در کل نظام سرمایه‌داری جهانی عمل می‌نمایند، و ابتدا از هم منفک نبوده و کاملاً در هم تنیده می‌باشند و یک هدف که همان منطق و جوهره سرمایه‌داری جهانی و برسازی شکل زندگی

94..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هفدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

سرمایه‌داری است را دنبال می‌نمایند. به قطعیت می‌توان گفت، سرمایه‌داری جهانی حیات و برساخت شکل زندگی مختص به خود را مرهون منطق ذاتی و نظام‌های وابسته به خود است. نظام سرمایه‌داری جهانی را می‌توان به نظام اقتصادی - نظام اجتماعی - نظام فرهنگی - ایدئولوژیکی - نظام سیاسی و نظام حقوقی دسته‌بندی نمود.



شکل 1. نظامات سرمایه‌داری جهانی

در ادامه این بخش از یافته‌های پژوهش به هر یک از این ساحت‌ها که سهمی در برساخت شکل زندگی سرمایه‌داری دارند پرداخته می‌شود.

۱. نظام اقتصادی^۱

^۱ Economic system

نظام سرمایه‌داری جهانی یک نظام اقتصاد جهانی واحد است و فعالیت‌های اقتصادی و فرآیندهای آن (به ویژه تولید) تنها در یک زمینه‌ی جهانی یکپارچه تفسیر می‌شوند. میدان عمل این نظام اقتصادی بسیار وسیع بوده و زیست بشری را در بر می‌گیرد. در نظام اقتصادی سرمایه‌داری جهانی، مصرف یک امر کلیدی است و مصرف همیشه باید در سرمایه‌داری جهانی افزایش یابد، اگر این اتفاق نیفتد، سود را کد می‌شود و نظام سرمایه‌داری حیات خود را از دست می‌دهد. تأکید بر رشد سود و مصرف به تداوم نظام سرمایه‌داری دامن می‌زند. مصرف و سود دو عامل مهم در شکل‌گیری زندگی سرمایه‌داری است. آنچه سرمایه‌داری جهانی را از فعالیت‌های اقتصادی قبلی متمایز می‌کند تحمیل مجموعه‌ای از منطقی‌های نهادی می‌باشد که برای تولید سود طراحی شده است.

در نظام اقتصادی سرمایه‌داری جهانی کسب درآمد به هدف نهایی زندگی انسان‌ها مبدل شده و دیگر همچون برآوردن نیازهای مادی، درآمد تابع افراد نمی‌باشد. این پدیده را باید از جوهره سرمایه‌داری دانست (و بر، 1385 ص 25).

در نظام اقتصادی سرمایه‌داری جهانی مبادله (بازار) نقش بسیار ویژه‌ای دارد و مالکیت خصوصی یک پیش شرط مهم برای مکانیسم مبادله است. هنگامی که مالکیت خصوصی وجود دارد، مبادله امکان پذیر می‌شود. عموماً، شیوه‌ها و رویه‌های اقتصادی، نقطه آغازین شکل‌گیری اشکال گونه‌های نظام‌های اقتصادی می‌باشند. در نظام سرمایه‌داری، شیوه‌های کلیدی کار دستمزدی و قراردادی یا مالکیت (خصوصی)، جایگزین شیوه‌های غیرسرمایه‌داری مانند مشارکت داوطلبانه (تولید جمعی)^۱ و اقتصاد اشتراکی^۲ شده است و شکل زندگی سرمایه‌داری را از شکل زندگی غیر سرمایه‌داری متمایز می‌نماید. مالکیت به مالکین حق تعیین نحوه استفاده از دارایی‌های خود و ادعای سود یا بازده فعالیت‌هایشان را می‌دهد و هر تلاشی برای تصاحب دارایی‌هایشان با موانع قانونی و هنجاری روبرو است (سنتنو و کوهن،^۳ 2010) در اینجا بحث بر سر حق آزادی در مالکیت و حق استفاده از دارایی است و جلوگیری از تصاحب و همچنین جلوگیری از اعمال فشار به چگونگی استفاده از آن توسط

² Peer production

^۳sharing economy

^۱ Miguel Centeno & Joseph. N. Cohen

دیگران. سرمایه‌دار می‌تواند دیگران را از دارایی‌های خود و نحوه استفاده از آن دارایی‌ها منع کند؛ اما نمی‌تواند دیگران را مجبور نماید که با او کار کنند. در نظام سرمایه‌داری جهانی مالکیت خصوصی و مبادله بازار دو نهاد کلیدی این نظام قلمداد می‌شوند که ریشه تاریخی دارند، به این معنی که توسط نسل‌های گذشته (و عمدتاً اخیر) ایجاد و شکل گرفته‌اند. مالکیت خصوصی و نهاد بازار دو عنصر مهم نظام سرمایه‌داری می‌باشند که در شکل‌گیری شکل زندگی سرمایه‌داری نقش مهمی را دارا هستند.

در نظام اقتصادی سرمایه‌داری، سرمایه انباشته شده نه به خاطر ارزش کاربردی خاصش بلکه به خاطر ارزش مبادلاتی مطرح است (هیلبرونر^۲، ۱۳۹۸ص ۹۵). بعبارتی دیگر در نظام سرمایه‌داری، برای تولید کالا بیش از آنکه استفاده مستقیم و یا لذت خریدارانش مطرح باشد، فروش (مبادله) آن مهم است. انباشت سرمایه در نظام سرمایه‌داری در فرمول معروف M-C-M بیان می‌شود. جایی که M به معنای پول، C به معنای کالا، و M به معنای پول به اضافه یک افزایش که برابر با ارزش اضافی است (پول - کالا - پول).

با بررسی نظام اقتصادی سرمایه‌داری می‌توان این نکته را بیان داشت که ساختار و خصلت سرمایه‌داری، سوق دادن سرمایه‌داران، در جهت انباشت به بدست آوردن هرچه بیشتر سرمایه (در قالب پول) می‌باشد که آن را قانون عام انباشت سرمایه می‌خوانند (ریتزر، ۱۳۹۵ص ۹۵).

پول نقش مهمی در فرآیند سرمایه‌داری به شکل سرمایه، یعنی به عنوان سود حاصل از مبادله ایفا می‌کند. پول و بازار به هم تعلق دارند، در نظام سرمایه‌داری، پول مبادله جهانی را جایگزین بازارهای محلی نمود. به باور مارکس پول در نظام سرمایه‌داری همه صفات انسانی را به ارزش‌های کمی مبادله فرو می‌کاهد (مارکس به نقل از کسل^۳، ۱۳۸۳ص ۱۱۰). در نظام سرمایه‌داری جهانی پول بالاترین مصداق ابزاری است که به خودی خود هدف شده است و برای کسب پول همه چیز را می‌توان در قالب کالا مبادله نمود. پول و کالا از وجوه مشخصه اقتصاد سرمایه‌داری است و سبب گرایش شکل زندگی انسان‌ها به سمت خصیصه حسابگری و کالایی شدن می‌باشد.

^۲ Robert L Heilbroner

^۳ Philip Kassel

97..... درآمد نظری بر سرمایه‌داری جهانی به مثابه شکل زندگی



شکل 2. شیوه ساماندهی و فرآیند منافع اقتصادی در نظام سرمایه‌داری جهانی

۲. نظام اجتماعی^۱

نظام سرمایه‌داری جهانی علاوه بر نظام اقتصادی از منظر ساحت اجتماعی نیز قابل بررسی می‌باشد. سرمایه‌داری جهانی را می‌توان در قالب امری اجتماعی دانست که مستقل از ما به صورت یک عینیت ابژکتیو وجود دارد و عمل می‌کند. این نظام جهانی بدون برخورداری از حمایت قلمرو اجتماع، به چیزی جز فروپاشی نمی‌انجامد. ساختارهای اجتماعی از عوامل مهم در رشد یا بازدارندگی سرمایه - داری در جهان می‌باشند. سرمایه‌داری، همواره در طول تاریخ برای گسترش خود در سراسر جهان به تغییر در ساختارها اجتماعی و تعاملات اجتماعی در جوامع نیاز داشته و تلاش نموده است تا با بر ساخت نهادها و روابط اجتماعی، پیوندهای جدی از نوع سرمایه‌داری، در آن جوامع ایجاد نماید تا از این طریق بتواند به حیات خود ادامه دهد. سرمایه‌داری که تشکیل شده از انواع خاصی از روابط اجتماعی است غالباً شکلی به خود می‌گیرد. این شکل، انسان‌ها را در معرض اجبارها و محدودیت‌های ساختاری غیر شخصی قرار می‌دهد.

سرمایه‌داری جهانی به مثابه یک جهان‌بینی اجتماعی، مولد جوامع و انسان‌های تک ساحتی است که عملکردشان بر اساس سود و زیان ارزیابی می‌شود، در این نظام هزینه - فایده، مبنای تحولات

¹ Social system

اجتماعی است و انسان به عنوان سرمایه‌بازشناسی می‌شود. سرمایه‌داری جهانی در تلاش است تا یک شکل زندگی مشخصی را در نظام‌های اجتماعی معرفی نماید که بتواند روابط انسان‌ها و جوامع را با یکدیگر، احساس افراد از خود، ظرفیت‌ها، عملکردها و اقداماتشان را در جهان مادی شکل دهد.

نظام سرمایه‌داری جهانی روابط متقابل انسانی میان واحدهای تولید، مبادله و مصرف و سود حاصل از کالاها را شکل می‌دهد. تولید، مبادله، مصرف و سود در ساحت اجتماعی می‌توانند بعنوان نهاده‌های اجتماعی قلمداد شوند. هر یک از این نهاده‌های اجتماعی بر سازنده بخشی از شکل زندگی سرمایه‌داری است.

● **تولید:** نهاده‌های تولید مشابه مواد خام نیستند، بلکه به عنوان عوامل تولید در تولید استفاده می‌شوند اما معمولاً بخشی از محصول نمی‌شوند و در فرآیند تولید تغییر نمی‌یابند. در جامعه‌شناسی اقتصادی، تولید به عنوان یک فرآیند اجتماعی پیچیده در نظر گرفته می‌شود و رفتار تولیدی به عملکرد یک فرآیند اجتماعی باز می‌گردد. این رفتار مستلزم این تشخیص است که عوامل تولید انسان هستند. فرآیندها تولید روابط بین انسان‌ها را شامل می‌شود. از اینرو تولید به حوزه‌ای از کنش اجتماعی تبدیل می‌گردد که مجموعه‌ای از روابط بین عوامل انسانی است، در کل، تولید یک موضوع در هماهنگی مدیریتی و سازماندهی اجتماعی است، بنابراین «نهاد انسانی» باعث می‌شود که دیدگاه سازمانی یا نهادی در تولید به یک تلاش معنادار و مشروع تبدیل شود. بر اساس این دیدگاه، شرکت‌های تولیدکننده، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی هستند. هیچ جامعه‌ای بدون تولید نمی‌تواند زندگی کند، و همه تولیدات مستلزم هماهنگی اجتماعی است (سوئد برگ^۱، 2005).

هاریسون وایت^۲ می‌گوید منافع به سرعت در روابط اجتماعی حکم می‌شوند. تولیدات مادی باید از این مرحله شروع کنند و در ادامه، هر نوع تولید مادی نیازمند نظم و ترتیبی است که کنش

^۲ Richard Swedberg

^۳ Harrison White

اجتماعی را متوقف نکند بلکه کنش اجتماعی را به خودی خود به تولیدات جدیدی ترغیب نماید که ترکیبی از تولید مادی و اجتماعی هستند (سوندبرگ و گرانو و تر^۱، 1395 ص 130).

● **مبادله:** مبادله در زندگی انسان‌ها نقش مهمی را ایفا می‌نماید. مبادله در بازارها صورت می‌گیرد. از منظر جامعه‌شناسی بازارها متجانس نیستند بلکه به روش‌های مختلف بطور اجتماعی بنا شده‌اند. ساخت اجتماعی بازار بر نحوه عملکرد بازار تاثیر دارد. (همان، ص 246). این دیدگاه جامعه‌شناسان می‌تواند بیان‌گر آن باشد که سرمایه‌داری جهانی نظام اجتماعی نیز می‌باشد.

نیل فلیگ اشتاین^۲ (2002) بازارها را به عنوان نهادهای اجتماعی می‌داند که کالاها با پول مبادله می‌شوند که زمینه این مبادله را حقوق مالکیت، قوانین و قواعد مبادله و ساختارهای حکومتی فراهم می‌نمایند. حقوق مالکیت به مثابه روابط اجتماعی تعریف می‌شوند که تعیین می‌کنند چه کسی شایستگی دریافت سود یک بنگاه را دارد. ساختار حکومت‌داری شامل قواعدی است که نشان می‌دهد چگونه یک بنگاه سازمان می‌یابد و همچنین رقابت، تعاون و همکاری می‌کند. قواعد مبادله تعیین می‌کند تحت چه شرایطی مبادله اتفاق بیفتد و چه کسی می‌تواند در آن شرکت کند (همان، ص 249). مارکس تاکید می‌کند: بازار اساساً روابط اجتماعی را در بر می‌گیرد. او در کتاب سرمایه می‌گوید: «کالاها خودشان نمی‌توانند به بازار بروند و مبادله شوند» «ارزش در ذات کالا نیست، بلکه بیشتر رابطه‌ای است بین مردمی که رابطه بین کالا را بیان می‌کنند» (همان، ص 222). همچنین وبر در کتاب اقتصاد و جامعه می‌گوید: اجتماع فیزیکی افراد، برای مبادله مشخص‌ترین نوع بازار است. از نظر وبر کنش اجتماعی در بازار با رقابت شروع می‌شود و با مبادله خاتمه می‌یابد مبادله در بازار امری استثنایی است. به این معنی که نوع محاسبه‌گری و ابزار کنش اجتماعی را نشان می‌دهد که میان دو موجود انسانی ممکن است (همان، 228). کارل پولانی^۳ نیز استدلال می‌کند که: سیستم‌های بازار در جامعه "تعیین شده است". مفهوم جاسازی بیانگر نوعی تقدم در تعیین چگونگی

^۱Richard Swedberg & Mark Sanford Granovetter

^۲Neil Fligstein

^۳ Karl Polanyi

سازماندهی سیستم‌های اجتماعی است و این که بگوییم بازارها در جامعه تعبیه شده‌اند نشان می‌دهد که عوامل غیر بازاری نحوه سازماندهی بازارها و محدودیت‌های تأثیر بازارها بر جامعه را تعیین می‌کنند (کارل پولانی به نقل از سنتنو و کوهن، 2010، ص 122).

درک سرمایه داری بدون بازار امکان پذیر نیست. وجود بازار برای سرمایه داری ضروری است. منطق بازار را می‌توان به‌عنوان شکلی از سازماندهی اجتماعی بر اساس، ماتریالیسم، فردگرایی و حداکثر سودمندی عقلانی دانست. ظهور و ریشه‌یابی منطق‌های بازار در سازماندهی زندگی اجتماعی، ثروت غیرقابل تصویری ایجاد کرده است (سنتو و کوهن، 2010، ص 35).

● **مصرف:** به استناد کتاب ثروت ملل نوشته آدام اسمیت، مصرف، محصول نهایی تولید را نشان می‌دهد: «مصرف تنها هدف و هدف تمام تولید است» (آدام اسمیت به نقل از سوئد برگ، 2005، ص 437)، اما از دیدگاه مدل سرمایه‌داری، همه چیز به این سادگی نیست. چگونگی تقسیم نتیجه نهایی تولید، بین مصرف و سود از اهمیت حیاتی برخوردار است. هر چه سود بیشتری توسط مالکان (سرمایه‌داران) به تولید بازگردانده شود، چرخ‌های سرمایه‌داری سریع‌تر می‌چرخند.

تاریخ نظریه مصرف طی قرون گذشته نشان دهنده کوششی در پیدا کردن بعضی از ساختارهای روانشناختی یا اجتماعی در مفهوم تقاضاست (اسمل سر^۱، 1395، ص 279). آلفرد مارشال^۲ خاطر نشان می‌سازد که بسیاری از خواسته‌های نوع بشر، در ارتباط با الگوی اجتماعی و فرهنگی، ساختاری اجتماعی دارند (همان، ص 280).

مصرف در روابط اجتماعی لنگر انداخته و نیروی محرکه مصرف منفعت فردی است که با سود تشویق و غالباً شکل داده می‌شود. تمرکز بر مصرف جدای از تولید نیست. مصرف که در روابط اجتماعی ریشه دارد نه فقط با فروشنده و خریدار درگیر است بلکه با خانواده خریدار، خویشاوندان و همکاران و روابط طبقاتی هم درگیر است (سوئدبرگ و گرانووتر، 1395، ص 422). محصولاتی که ما مصرف می‌کنیم، مصنوعات مادی هستند از فعالیت‌های گسترده اجتماعی به شکل رفتار و

¹ Neil J. Smelser

² Alfred Marshall

تکرارهای شناخته شده‌ای که برای هدایت رفتارهای متعدد روزمره استفاده می‌شود. مصرفی مدرن محصول تغییراتی چون تغییر در آداب و رسوم اجتماعی است. این تغییرات، با هم، بخشی از یک انتقال گسترده‌ای را شکل دادند. انتقال از جوامعی که ریشه در زندگی روستایی، جامعه محلی، خوداشتغالی و شرکت‌های کوچک مقیاس داشتند به سیستم‌های اجتماعی پیچیده، جهانی، بسیار تخصصی و بسیار مولد (سنتنو و کوهن، 2010، ص 99).

● **سود:** در نظام سرمایه‌داری جهانی سطح سود رابطه مستقیمی با میزان مصرف دارد. از نظر اقتصاددانان، اصولاً سود نمی‌تواند تحت تأثیر نیروهای اجتماعی قرار گیرد اما جامعه‌شناسان نظری متفاوت دارند. از نظر جامعه‌شناسان روابط اجتماعی یک کارمند بر تولید و بهره‌وری تأثیر می‌گذارد. برای مثال ممکن است یک کارگر بسته به گروه کاری که در آن عضویت دارد کم و بیش مولد باشد البته دستمزدها نیز بر سطح سود تأثیر گذارند. اندازه سود نسبت به مصرف یک چیز است و اینکه چه مقدار از سودی که دوباره سرمایه‌گذاری می‌شود چیز دیگری است اینکه چه مقدار از سود دوباره وارد چرخه سرمایه‌گذاری می‌شود تحت تأثیر نیروهای اجتماعی است (سوید برگ، 2005).

سود یک ساخت اجتماعی است، به این معنا که آنچه به عنوان سود در گزارش سالانه ارائه می‌شود ممکن است با آنچه به عنوان سود به مقامات مالیاتی گزارش می‌گردد تفاوت زیادی داشته باشد، (سود توسط حسابداران به عنوان نیروهای اجتماعی دستکاری می‌شود). بسیار چیزها می‌تواند بر میزان سود تأثیر گذار باشند از آن جمله فرهنگ است که می‌تواند در میزان سود تأثیر گذار باشد.

در واقع آنچه که سرمایه‌داری را خاص نموده این است که نه تنها با نیاز به مصرف بلکه با تمایل به سود نیز هدایت می‌شود. شاخص در سرمایه‌داری جهانی، تولید کالا برای کسب سود است، اصالت اصلی برای سرمایه‌داری جهانی کسب سود توسط بنگاه‌ها اقتصادی بعنوان بر ساخت اجتماعی است که متشکل می‌باشند از مناسبات بسته همراه با کارکنان، یا افرادی که مقررات آن سازمان را به اجرا می‌گذارند. کسب سود در نظام سرمایه‌داری جهانی در الویت می‌باشد.

۳. نظام فرهنگی - ایدئولوژیکی^۱

در دنیای امروز رابطه کیفی جدیدی بین فرهنگ و ایدئولوژی در حال شکل‌گیری است و فرهنگ - ایدئولوژی، جایگاه خاصی در بازتولید سرمایه‌داری جهانی دارد (اسکلایر^۲، 1995، ص 86)

دیدگاه‌های اشخاصی نظیر آنتونیو گرامشی، ناظر به این مطلب است که سرمایه‌داری تماماً یک نظام اقتصادی نیست؛ بلکه یک نظام زندگی است. سرمایه‌داری، ارائه‌دهنده یک ایدئولوژی برای زندگی انسان‌هاست (آجیلی، 1394). همانطور که در بخش‌های پیشین گفته شده از ویژگی‌های اساسی سرمایه‌داری و وابسته به آن سرمایه‌داری جهانی، زندگی بر مبنای عقلانیت بازار می‌باشد. گسترش حداکثری بازاری شدن به شدت ساحت فرهنگ را تحت تاثیر قرار داده است. بازاری شدن سبب می‌شود فرهنگ تا سطح تبلیغات، حراج، تفریح و فراغت تنزل یابد. در سرمایه‌داری جهانی، فرهنگ به ابزاری جدایی‌ناپذیر برای مصرف‌گرایی و افزایش سود تبدیل شده است.

ایدئولوژی - فرهنگ مصرف‌گرایی یکی از موضوعات اصلی تئوری و تحقیق در مورد سیستم جهانی سرمایه‌داری است. بی‌راه نیست اگر گفته شود فرهنگ-ایدئولوژی مصرف‌گرایی، سوختی است که موتور سرمایه‌داری جهانی را به حرکت در می‌آورد.

پروژه فرهنگی-ایدئولوژیکی سرمایه‌داری جهانی متقاعد کردن مردم به مصرف فراتر از نیازهای ادراک شده خود به منظور تداوم انباشت سرمایه برای سود است، به عبارت دیگر، اطمینان از تداوم نظام سرمایه‌داری جهانی برای همیشه (اسکلایر، 1995، ص 48) سرمایه‌داری نیاز دارد تا شکل زندگی را برساخت نماید که فرهنگ و ایدئولوژی مصرف در آن جایگاه ویژه‌ای دارد. بعبارتی دیگر شکل زندگی سرمایه‌داری، فرهنگ - ایدئولوژی خاص خود را داراست. اگر در جوامع فرهنگ - ایدئولوژی سرمایه‌داری گسترش نیابد، تداوم نظام سرمایه‌داری با مشکل جدی روبرو شده و دچار اختلال می‌شود. از این رو ایده شیوه‌های فراملی فرهنگی - ایدئولوژیکی به ویژه ایده فرهنگ جهانی - ایدئولوژی مصرف در سیستم جهانی، ابزارهای مفهومی در نظریه سیستم جهانی هستند. سرمایه‌داری جهانی بی‌طرفی فرهنگی را مجاز نمی‌داند. آن اقدامات فرهنگی که نمی‌توانند در

¹ Cultural-ideological system

² Leslie Sklair

فرهنگ - ایدئولوژی سرمایه‌داری جهانی و بطور خاص تر در ایدئولوژی فرهنگ مصرف‌گرایی گنجانده شوند، ضد هژمونیک و مخالف دانسته شده و به حاشیه رانده و در صورت عدم موفقیت، نابود می‌شوند. (همان، ص 47-48).

نظام‌های آموزشی در کشورها و جوامعی که نظام سرمایه‌داری در آنها حاکم است بدنبال ایجاد ساختار و تولید محصولات فرهنگی منطبق با نظام سرمایه‌داری است.

جهان سرمایه‌داری به یاری رسانه‌ها، فرهنگ - ایدئولوژی سرمایه‌داری را به شکل شنیداری یا بصری در جوامع وارد و گسترش می‌دهند و با دستکاری فرم‌ها و الگوهای زندگی، معنای زندگی را به خواست خود تعریف و شکل زندگی سرمایه‌داری را به عنوان شکل زندگی مطلوب به نمایش می‌گذارد. این شکل از زندگی بطور فزاینده‌ای برای برآوردن تقاضای نظام تولید سرمایه‌داری، انباشت سرمایه و سود برای نظام سرمایه‌داری جهانی ضروری است.

۴. نظام سیاسی^۱

نظام سرمایه‌داری جهانی را بدون ارجاع اصولی و روشمند به مسائل دولت‌ها و سیاستگذاری‌ها نمی‌توان به درستی درک نمود. قدرت و سیاست در پیوند با یکدیگر می‌باشند. قدرت سرمایه، در بلند مدت، از طریق دولت‌ها و مکانیسم‌های سیاسی به دست می‌آید. یکی از جنبه‌های تسلط سرمایه - داری در جهان، رشد قدرت سرمایه در سراسر جهان می‌باشد.

دولت سرمایه‌داری باید آنچه را که «معضل سیاسی اقتصاد»^۲ نامیده می‌شود، حل کند، نظام‌های سیاسی تلاش می‌نمایند تا با نظارت بر نظام تولید، نظام توزیع (بازار) و نظام مصرف در سطح ملی و فراملی به تداوم سرمایه‌داری در سطح جهان یاری رسانند. نظام‌های سیاسی راه را برای تصویب قوانین باز می‌نمایند و از طریق سیاستگذاری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و... به حفظ، گسترش و باز تولید نظام سرمایه‌داری می‌پردازند. سرمایه‌داری با استراتژی سیاست‌زدایی در واقع به دنبال کسب

¹ political System

² The political problem of the economy

مبنای موجه برای سازماندهی مجدد دولت و جامعه طبق منطق بازار بوده است. این سبک از سیاست‌زدایی در چارچوب یک پروژه سیاسی جریان می‌یابد (هابرماس^۱، 1971).

دولت از منظر سرمایه‌داری واقعیتهای مفروض است که از آن انتظار می‌رود در خدمت بازار قرار گیرد. حفظ مالکیت خصوصی و بازارها که در شکل دهی زندگی سرمایه‌داری عنصر مهمی محسوب می‌شوند بدون برخی از سیاست‌ها و عملکردهای سیاسی غیرممکن هستند. ساختارهای حکومتی برای ایجاد و حمایت از حقوق مالکیت خصوصی ضروری هستند و در قالب شرکای بازار به حمایت از بازار می‌پردازند.

نظام‌های سیاسی در جهان سرمایه‌داری رفتارهای فردی افراد را با تحریک و ایجاد انگیزه کنترل می‌کنند و این تحریک و ایجاد انگیزه با اجبار نمی‌باشد. آزادی فردی را به ابزاری تبدیل می‌نمایند که افراد از طریق آن هدایت می‌شوند. سازوکارهای حکومتی با شکل‌دهی به محیط، قادرند حکومت‌شوندگان را بدون اینکه مستقیماً اراده او را محدود کنند به سوژه‌ای پذیرا و انعطاف‌پذیر تبدیل و تحریک و تشویق نمایند. در واقع، هنر نظام‌های سیاسی سرمایه‌داری آنست که، ضمن احترام به استقلال فرآیندهای بازار، به شدت در عرصه اجتماعی مداخله می‌کنند تا رفتار افراد را شکل دهند. آنها را تحریک کرده تا به شیوه‌ای خاص عمل نمایند و منجر به تغییر محیط و رفتارشان شوند (کول و فراریز، 2018، ص 74). فرد دیگر بر خلاف میل خود اداره نمی‌شود. بلکه امیال او توسط واقعیات محض کثیری که در بازار آزاد وجود دارد اداره می‌شود. نظام‌های سرمایه‌داری جوامع را از طریق آزادی، اداره می‌کنند، دولت‌ها نه تنها آزادی‌ها را تضمین می‌نمایند، بلکه آزادی‌ها را نیز تولید و مصرف می‌کنند.

دولت‌ها از طریق نظام آموزشی نه تنها به جوانان در انتخاب نقش‌های آینده‌شان رهنمون می‌دهند بلکه انطباق ساختار خانواده با نیازهای نظام سرمایه‌داری را تسریع می‌نمایند.

سیاست‌گذاری و عملکرد نظام‌های سرمایه‌داری از طریق ساختارهای مبتنی بر بازار، سبب پیکربندی‌هایی در روابط قدرت، توزیع ثروت، فرم‌های اجتماعی، تغییر در شکل نظم و انضباط جهانی و در نهایت ترویج شکل زندگی سرمایه‌داری می‌شوند.

^۱ Jürgen Habermas

در نظام سرمایه‌داری جهانی نقش فزاینده‌ای به شرکت‌های غیردولتی و فراملی و شبکه‌های مالی فراملی در تعیین خط مشیهای سیاسی داده شده است. شرکت‌های فراملی از طبقه سرمایه‌دار فراملی استفاده می‌کند تا سیاستی را پیش گیرند که بطور فزاینده‌ای برای برآوردن تقاضای نظام تولید سرمایه‌داری ضروری است.

بطور کلی می‌توان گفت: سیاست در نظام سرمایه‌داری جهانی تحت سلطه روابط بین دولت‌ها، شرکت‌ها و بنگاه‌های بزرگ فراملی و نهاد‌های فراملی به مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی و توافقنامه منطقه‌ای و بین‌المللی است.

هنر نظام‌های سیاسی آنست که عادت‌ها و انتظارات را ایجاد می‌کنند و رفتارها، ذهنیت‌ها و شیوه‌های زندگی را شکل می‌دهند و شکل زندگی سرمایه‌داری را تجسم می‌بخشند.

۵. نظام حقوقی^۱

اگرچه قانون معمولاً بخشی از تشکیلات سیاسی است، اما شایسته است در بخش جداگانه‌ای مورد بررسی قرار گیرد. یکی از دلایل این امر این است که قانون یک لایه و چینش اضافه شده‌ای است بین تصمیمات سیاسی و اجرای آنها.

برای تبدیل شدن به واقعیت، تصمیمات سیاسی اغلب باید به زبان حقوقی ترجمه و توسط کارشناسان حقوقی تفسیر شوند. کنشگر فردی نیز مانند همیشه باید اعمال خود را به سمت قانون سوق دهد و از آن تبعیت کند تا تأثیر داشته باشد. دلیل دیگر اینکه دادگاه‌ها می‌توانند کم و بیش مستقل از دولت باشند (سوید برگ، 2005).

می‌توان گفت سرمایه‌داری جهانی دارای ساحت حقوقی نیز می‌باشد و آن شامل تسلط یک رژیم حقوقی جدید برای اداره‌ی بازار است. قدرت سرمایه در بلند مدت علاوه بر مکانیسم‌های سیاسی از طریق مکانیسم‌های قانونی نیز به دست می‌آید: سازوکارهای بلندمدتی که شامل توافقات قانونی و شبه حقوقی، نهادینه‌سازی استانداردها و تغییرات قوانین اصلی و اساسی است. چنین

¹ Legal System

مکانیسم‌هایی هم شکل ملی و هم شکل فراملی به خود می‌گیرند و در واقع ساختار قانون بنیادی سرمایه‌داری جهانی را برای اقتصاد سیاسی جهانی شکل می‌دهند

قوانین در سرمایه‌داری یک ضرورت است. همگی باید در چارچوب قوانین پیش‌بینی شده عمل نمایند. سپهر اقتصادی، سپهر فنی، سپهر اطلاعاتی و... باید با یکدیگر هماهنگ گردند. امروز بیش از هر دوره دیگر نظام سرمایه‌داری در سطح جهانی در سیستمی از قواعد و هنجارهای حقوقی مشترک بیشتر متحد شده است. نظام‌های پیچیده حقوقی نقش مهمی در توسعه سرمایه‌داری ایفا می‌نمایند.

به نظر ویلهم اوبرت^۱ مفهوم منفعت نقش مهمی در علم حقوق بازی کرده است. (سوندبرگ و گرانووتر، ۱۳۹۵ ص ۳۴۶). سرمایه‌داری جهانی حقوق را به عنوان "منافعی که باید تامین و تضمین شوند" قلمداد می‌نماید. در سرمایه‌داری منافع و حقوق در کنار هم دیده می‌شوند. ضمانت‌های حقوقی تا حدود زیادی مستقیماً در خدمت منافع اقتصاد سرمایه‌داری قرار دارد. نظام سرمایه‌داری جهانی، مشوق رفتارهایی است که نظام حقوقی هم آنها را مجاز شمرده است. بدین ترتیب به دشواری می‌توان از کسب منافعی که قوانین سرمایه‌داری جهانی آنها را تحت حمایت دارد جلوگیری نمود.

به باور وبر صاحبان دارایی از نهاد قرارداد سود می‌برند چرا که به آنها اجازه می‌دهد منافعی را تضمین کرده و افزایش دهند (همان، ۱۹۵). قراردادهای جدیدی را در اختیار بازیگران قرار می‌دهند که از طریق آن می‌توانند روابط اقتصادی خود را برقرار نمایند. با وجود مکانیسم‌های اجرای قوانین و مقررات، مبادله در بازار بسیار آسان‌تر انجام می‌شود

می‌توان گفت در نظم هنجاری جدید که با وضع قوانین و مقررات توسط سرمایه‌داری جهانی برقرار شده است، ادعا و ضوابط این نظام مشروع و مابقی نامشروع و یا تحت الشعاع آن قرار می‌گیرند.

باید گفت پیوند اساسی ساحت حقوقی با نظام سرمایه‌داری در مالکیت خصوصی است. مالکیت خصوصی پیش شرط سرمایه‌داری است. در نظام سرمایه‌داری نهادهای مالکیت خصوصی و مبادله

^۱ Villhelm Aubert

بازار به عنوان قوانین و قواعد اصلی سرمایه‌داری و پایه و اساس پیمان اجتماعی بین جوامع مدرن دانسته می‌شود (ستو و کوهن، 2010، ص 11).

در جهان امروز نظم حقوقی از دایره‌ی امر قضا و جزا فراتر رفته و به کمک هنجارهای جدید، کلیت زندگی انسان‌ها را پیکره‌بندی نموده و شکل داده است. در نظام سرمایه‌داری جهانی ساحت حقوقی در کنار دیگر ساحت‌ها شکل جدیدی از زیستن را تنظیم کرده است. ساحت حقوقی با ایجاد نظم حقوقی، انسجام قوانین، استانداردسازی، ایجاد هم‌سازی بیشتر جامعه جهانی و دولت‌ها و برسازی بسیاری از حق‌ها، قدرت ناظر بر زندگی را جاری می‌نماید.

6. تحلیل یافته‌های پژوهش

آنچه سرمایه‌داری جهانی را از منظر اقتصادی با فعالیت‌های اقتصادی قبلی متمایز می‌کند تحمیل مجموعه‌ای از منطق‌های نهادی می‌باشد که برای تولید سود طراحی شده است و مجموعه‌ای از منطق‌های نهادی بر پایه مفاهیم مالکیت خصوصی، رقابت بازار، انباشت سرمایه و کسب سود و سود بیشتر می‌باشد. در نظام اقتصادی سرمایه‌داری جهانی، شیوه‌های کلیدی کار دستمزدی و قراردادی یا مالکیت (خصوصی)، جایگزین شیوه‌های غیر سرمایه‌داری مانند مشارکت داوطلبانه (تولید جمعی و اقتصاد اشتراکی) شده است. این پدیده سبب شده است تا شکل زندگی سرمایه‌داری از شکل زندگی غیر سرمایه‌داری متمایز گردد. کسب درآمد جوهره اقتصادی سرمایه‌داری جهانی است که به هدف نهایی زندگی انسان‌ها مبدل شده و دیگر همچون برآوردن نیازهای مادی، درآمد تابع افراد نمی‌باشد. در این میان پول، نقش مهمی در نظام سرمایه‌داری و شکل دهی به زندگی افراد و جوامع ایفاء می‌نماید. در نظام سرمایه‌داری جهانی، پول، بالاترین مصداق ابزاری است که به خودی خود هدف شده است. برای کسب پول همه چیز را می‌توان در قالب کالا مبادله نمود. پول و کالا از وجوه مشخصه اقتصاد سرمایه‌داری است. سرمایه‌داری جهانی برای تداوم چرخه پول - کالا - پول علاوه بر نظام اقتصادی از نظام‌های دیگر معطوف به خود بهره می‌گیرد.

از جمله این نظام‌ها، نظام اجتماعی است. جهان بینی اجتماعی سرمایه‌داری جهانی، برای کسب سود و تداوم سود، همراستا با نظام اقتصادی، بازاری‌سازی زندگی اجتماعی را رقم زده است، بویژه

تشدید بازاری‌سازی زندگی اجتماعی مرتبط با نظم بازار سرمایه‌داری می‌باشد. این تشدید بازاری‌سازی را می‌توان در روابط سازمان‌ها و افراد و نهادهایی به مانند نهاد آموزش، نهاد پزشکی، نهاد دین و.. مشاهده نمود. سرمایه‌داری جهانی روابط اجتماعی را بر اساس عقلانیت بازار سازماندهی می‌نماید و به ذهنیت، رفتار فردی و جمعی انسان‌ها شکل می‌دهد. سرمایه‌داری جهانی با برساخت نهادها و روابط اجتماعی، پیوندهایی ایجاد نموده و در تلاش است تا یک شکل زندگی مشخصی را در نظام‌های اجتماعی معرفی نماید که بتواند روابط انسان‌ها و جوامع را با یکدیگر، احساس افراد از خود، ظرفیت‌ها، عملکردها و اقداماتشان را در جهان مادی شکل دهد. سرمایه‌داری جهانی به کالا واقعیتی زنده و جاندار بخشیده و آن را وارد رابطه با انسان نموده است. در شکل زندگی سرمایه‌داری جهانی رابطه انسان با کالا پسان رابطه انسان با انسان شده است.

سرمایه‌داری جهانی در قالب شکل زندگی، ارائه‌دهنده فرهنگ و ایدئولوژی برای زندگی انسان‌هاست. وجود نظام فرهنگی - ایدئولوژیکی. سرمایه‌داری جهانی در کنار و در راستای نظام اقتصادی و نظام اجتماعی، جایگاه خاصی در بازتولید سرمایه‌داری جهانی دارا می‌باشد. پروژه فرهنگی - ایدئولوژیکی سرمایه‌داری جهانی بدنبال متقاعد کردن مردم به مصرف و همچنین مصرفی فراتر از نیازهای ادراک شده خود به منظور تداوم انباشت سرمایه برای سود و تداوم سود است، امر مهمی که سرمایه‌داری جهانی پویایی و تداوم خود را از این واقعیت ناشی می‌داند. به جرات می‌توان گفت فرهنگ - ایدئولوژی مصرف‌گرایی، سوختی است که موتور سرمایه‌داری جهانی را به حرکت در می‌آورد. نظام‌های آموزشی در کشورها و جوامعی که نظام سرمایه‌داری در آنها حاکم است بدنبال ایجاد ساختار و تولید محصولات فرهنگی منطبق با نظام سرمایه‌داری جهانی می‌باشند. جهان سرمایه‌داری به یاری رسانه‌ها، فرهنگ - ایدئولوژی سرمایه‌داری را به شکل شنیداری یا بصری در جوامع وارد و گسترش می‌دهند و با جهانی نمودن تولید و مصرف، زندگی مادی را در سراسر جهان بازسازی می‌نمایند. با دستکاری فرم‌ها و الگوهای زندگی، معنای زندگی را به خواست خود تعریف و شکل زندگی سرمایه‌داری را به عنوان شکل زندگی مطلوب به نمایش می‌گذارند.

باید گفت درک از سرمایه‌داری جهانی تنها با درک نظام اقتصادی، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی - ایدئولوژیکی بدون ارجاع به نظام سیاسی و حقوقی به درکی ناقص منجر می‌شود. از جنبه‌های تسلط شکل زندگی سرمایه‌داری در جهان، رشد قدرت سرمایه در سراسر جهان می‌باشد

که این قدرت را می‌توان مرهون مکانیسم‌های سیاسی و قواعد و قوانین حقوقی دانست. نظام‌های سیاسی راه را برای تصویب قوانین باز می‌نمایند و از طریق سیاستگذاری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و... به حفظ، گسترش و بازتولید نظام سرمایه‌داری می‌پردازند. سرمایه‌داری جهانی با استراتژی سیاست‌زدایی در واقع به دنبال کسب مبنای موجه برای سازماندهی مجدد دولت و جامعه منطبق با بازار بوده است. این سبک از سیاست‌زدایی در چارچوب یک پروژه سیاسی جریان می‌یابد. نظام‌های سیاسی و دولت‌ها با ایجاد قواعد و وضع قوانین بدنبال برطرف کردن آن چیزی می‌باشند که معضل اساسی نامیده می‌شوند.

دولت و وجود قوانین و مقررات از منظر سرمایه‌داری جهانی واقعیتی مفروض می‌باشند که از آنها انتظار می‌رود در خدمت بازار قرار گیرند. حفظ مالکیت خصوصی و بازارها که در شکل دهی زندگی سرمایه‌داری عنصر مهمی محسوب می‌شوند بدون برخی از سیاست‌ها و عملکردهای سیاسی و حقوقی (پیش‌بینی شده و تا حدود بسیار زیادی یکسان و هماهنگ) غیرممکن است. ساختارهای حکومتی و نظام حقوقی برای ایجاد و حمایت از حقوق مالکیت خصوصی ضروری هستند. نظام سیاسی و حقوقی سرمایه‌داری جهانی بدنبال حفظ و حمایت مالکیت خصوصی، بازارها، نیروی کار، ضمانت حقوقی و جلب اعتماد سرمایه‌گذاری، رشد تولید، گسترش ایدئولوژی فرهنگ مصرفی و حفظ شرایط مصرف، الگوهای جدید اجتماعی و بسیار موارد دیگر می‌باشند.

سیاستگذاری دولت‌ها و عملکرد حقوقی نظام‌های سرمایه‌داری از طریق ساختارهای مبتنی بر بازار، در روابط قدرت، توزیع ثروت، فرم‌های اجتماعی، تغییر شکل نظم و انضباط جهانی وارد شده و سبب ترویج شکل زندگی سرمایه‌داری می‌شوند. نظام سیاسی و نظام حقوقی در کنار دیگر نظام‌ها (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - ایدئولوژیکی) در کلیت زندگی انسان‌ها و پیکره‌بندی آن نقش خود را ایفاء می‌نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله که حاصل مروری تئوریک بر متون نوشتاری شامل کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها می‌باشد به بررسی نظری این فرض می‌پردازد که: "سرمایه‌داری جهانی به مثابه شکل زندگی است. و این

110..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هفدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

شکل زندگی خود را بر سوژه‌ها (انسان‌ها و جوامع) مسلط نموده است." و در پی این است که تا به دو پرسش پاسخ دهد. الف) چرا سرمایه‌داری جهانی شکل زندگی دانسته می‌شود؟ ب) چگونه این شکل زندگی، خود را بر سوژه‌ها (انسان‌ها و جوامع) مسلط نموده است؟

زندگی انسان‌ها را نباید یک جریان تصادفی و پیوسته تصور و مشاهده نمود، بلکه این زندگی بر ساخت ساختارها، الگوهای تکرار شونده، فرم‌ها، قاعده‌ها، شیوه‌های مشخصی از فعالیت‌ها و عملکردها می‌باشد. به بیان دیگر پیکره‌بندی‌ها، الگوها، فرم‌ها و قاعده‌ها شکلی از زندگی را بوجود می‌آورند.

شناسایی انسان به عنوان موجودی زنده، یعنی موجودی فانی و جنسی، در هسته ایده "شکل زندگی" نهفته است. ایده شکل زندگی «امکان هر گونه جدایی بخشی از عملکردهای انسانی را رد و تمایزات واضح بین فعالیت‌های خصوصی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را تضعیف می‌کند. همه این فعالیت‌ها را باید بر حسب تأثیر آنها بر امکان زندگی انسان‌ها و شکل متمایزی دید که در ایجاد آن سهیم هستند.

ایده سرمایه‌داری و به طبع آن سرمایه‌داری جهانی چیزی بیش از یک سیستم اقتصادی و شکل زندگی است در نظرات و آرای صاحب نظرانی چون کارل مارکس، آلیسون کول، آنتونیو گرامشی، راحل جاگی، دانیل لورنزی، تئودور آدرنو و دیگر اندیشمندان یافت می‌شود.

چنانچه شکل زندگی را بعنوان سطح کلان زندگی بدانیم که بر سازنده سطح میانی (فرم‌های و الگوهای شکل گرفته از اعمال) و سطح خرد (عملکردهای فردی) است. می‌توان سرمایه‌داری جهانی را نیز در سطح کلان خود به مثابه شکل زندگی دانست که بر سازنده الگوها و فرم‌هایی است که رفتار و عملکرد افراد در آن جاسازی می‌شود. در فرم‌های تقلیل‌ناپذیر سرمایه‌داری، عملکردهای سرمایه‌داری مهمتر از عملکردهای غیر سرمایه‌داری است و عملکردهای سرمایه‌داری بر عملکردهای غیر سرمایه‌داری حاکم هستند. به عبارتی دیگر اعمال و عملکردهای غیر سرمایه‌داری توسط اعمال سرمایه‌داری بازنویسی می‌شوند و عملکردهای غیر سرمایه‌داری رادر فرم و الگوی عمل سرمایه‌داری می‌گنجانند. این تسلط و بازنویسی برای تحقق شکل زندگی سرمایه‌داری جهانی ضروری است.

111..... درآمد نظری بر سرمایه‌داری جهانی به مثابه شکل زندگی

شکل زندگی سرمایه‌داری جهانی بر همه مظاهر زندگی چه وجه ذهنی، چه وجه عینی سوژه انسانی و محیط تاثیر گذار است و به زندگی‌ها شکل می‌دهد.

سرمایه‌داری جهانی در قالب نظام‌های وابسته و معطوف به خود توانسته است در سطح کلان، شکل معینی از زندگی را بر جهان و سوژه‌ها مسلط نماید و در سطح میانی (فرم‌ها و الگوها) و سطح خرد (عملکردهای فردی) زندگی افراد و جوامع را تغییر دهد.

سرمایه‌داری جهانی برای بازتولید شکل زندگی برساخته خود پیوسته به نظام اقتصادی، نظام اجتماعی، نظام فرهنگی - ایدئولوژی، نظام سیاسی و نظام حقوقی رجوع می‌نماید و برای کارکرد بهینه آنها تدابیری اندیشیده و اقداماتی را به انجام می‌رساند. نظام‌های سرمایه‌داری جهانی از یکدیگر مجزا نبوده و کاملاً مرتبط و در هم تنیده می‌باشند و شکل زندگی سرمایه‌داری جهانی را برساخت می‌نمایند.

فهرست منابع داخلی و خارجی

- آجیلی، هادی (1394، 7 شهریور)، فرهنگ سرمایه داری دروازه ورود به اقتصاد سرمایه داری، یاداشت، قابل دسترسی در تارنمای <http://shabestan.ir/detail/News/482411>
- اسمل سر، نیل جی (1395)، جامعه شناسی اقتصادی، مترجم محسن کلاهچی، چاپ دوم، تهران: انتشارات کویر
- ریتزر، جورج (1395)، نظریه‌های جامعه شناسی، ترجمه هوشنگ ناییبی، چاپ سوم، تهران: نشر نی
- سوئدبرگ، ریچارد و گرانووتر، مارک (1395)، جامعه شناسی اقتصادی - ساخت اجتماعی و کنش اقتصادی، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، انتشارات تیسرا
- کسل، فیلیپ (1383)، چکیده آثار آنتونی گیدنز، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات ققنوس
- میکسنزوود، آلن (1383)، ملاحظاتی پیرامون جهانی شدن سرمایه‌داری، ترجمه هاشمی، ف.م، نشریه چیستا :: دی و بهمن شماره 214 و 215، ص 343-349
- وبر، ماکس (1385)، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری، مترجمان عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

112..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هفدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

- هیلبروتر، رابرت ال (1389)، سرمایه‌داری نظامی مبتنی بر سلطه اجتماعی نه فقط مبادله عقلایی، ترجمه سید حسین رضوی پور، ماهنامه سوره، شماره 46، آذر و دی، ص 94-98
- Adorno, Theodor. W. (2005). **Critical models: Interventions and catchwords**. Columbia University Press.
- Colea, Alyson and Ferrarese, Estelle (2018). **How capitalism forms our lives**, Journal for Cultural Research, published by Routledge May, VOL. 22, NO. 2, PP.105-112
- Colea, Alyson (2018) **The subject of objects: Marx, new materialism, & queer forms of life** , Journal for Cultural Research, Vol.22, No2, pp.167-179, DOI: 10.1080/14797585.2018.1461348
<https://doi.org/10.1080/14797585.2018.1461597>
- Centeno, Miguel. A., & Cohen, Joseph. N. (2010). **Global capitalism: A sociological perspective**. Published by: Polity Press, ISBN-13: 978-0-7456-4450-9
- Fligstein, Neil. (2002). **Markets as politics: A political-cultural approach to market institutions**. Readings in economic sociology, 197-218.
- Habermas, Jurgen (1971) **Toward a Rational Society**, London: Heinemann
- Jaeggi, Rahel (30 Mar 2018), **Economy as social practice**, Journal for Cultural Research, Vol.22, No.2, pp.122-125
<https://doi.org/10.1080/14797585.2018.1461355>
- Lorenzini, Daniele. (2018). **Governmentality, subjectivity, and the neoliberal form of life**. Journal for Cultural Research, 22(2), 154-166.
- Ronge, Bastian. (2020). **The Capitalist Form of Life, and How To Deconstruct It**. Journal for Open Cultural Studies, Vol.4, No.1, pp.122-130.
<https://doi.org/10.1515/culture-2020-0012>
- Rossi, Ugo. (2017). **Cities in Global Capitalism**, Cambridge : Polity , 2017 . Series: Urban Futures. pp. 213 ISBN: 978-0-745-68967-8
- Sklair, Leslie (1995). **Sociology of the Global System**, Publisher : The Johns Hopkins University, 2nd edition ISBN-13: 978-0801852114
<https://doi.org/10.1177/079160359500500122>
- Swedberg, Richard (2005). **Towards an Economic Sociology of Capitalism**, L'Année sociologique, vol.55 ,No.2,pp.419-449
<https://doi.org/10.3917/anso.052.0419>
- Timothée, Haug. (2018). **The capitalist metabolism: an unachieved subsumption of life under the value-form**. Journal for Cultural Research, Vol. 22, No.